



Research Article

A Consideration of the Approach of “Epistemology of Religious Disagreements” in Comparative Theology*

Morteza Peirojafari¹ Vahideh Fakhhar Noghani²
Jahangir Masoodi³

Received: 14/12/2021

Accepted: 01/02/2022

Abstract

The encounter with religious plurality and diversity, which is a main characteristic of life in the contemporary world, has posed a number of epistemological and theological problems. Awareness of religious diversity and religious disagreements presents challenges to the discharge of epistemic duties by the religious person. In epistemology of disagreements, as a branch of epistemology, an individual’s epistemic duties in the face of disagreements are specified, and various approaches have been adopted from quite conciliatory views to steadfast views. Comparative theology

* This paper has been taken from Morteza Peiro Jafari's doctoral dissertation entitled: Methodology of Comparative Theology in Transcendental Wisdom, (Supervisor: Dr. Vahidah Fakhhar Noghani; Assistant and Advisor: Dr. Jahangir Masoudi) Department of Education Ferdowsi University of Mashhad

1. PhD student, Islamic Studies, Ferdowsi University of Mashhad, Iran. morteza.peirojafari@mail.um.ac.ir

2. Assistant professor, College of Theology, Ferdowsi University of Mashhad, Iran. fakhar@mail.um.ac.ir

3. Associate professor, College of Theology, Ferdowsi University of Mashhad, Iran.

ja_masoodi@yahoo.com

* Peirojafari, M. & Fakhhar Noghani, V. & Masoodi, G. (2022). A Consideration of the Approach of “Epistemology of Religious Disagreements” in Comparative Theology. *Jornal of Naqd va Nazar*, 27(106), pp 167-195. Doi: 10.22081/JPT.2022.62638.1901

Copyright © 2021, Author (s). This is an open-access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution-Non Commercial 4.0 International License (<http://creativecommons.org/licenses/by-nc/4.0/>) which permits copy and redistribute the material just in noncommercial usages, provided the original work is properly cited.

takes up a religious approach to respond to the challenge of religious plurality and diverse theological approaches in the face of such plurality in order to arrive at a deeper understanding of religious faith. In this article, we deploy the descriptive-analytic method to find an epistemic solution based on the epistemology of religious disagreements with which this newly emerged theology can attain its goals. We conclude that by adopting an intermediary approach between steadfast and conciliatory views and drawing on the graded nature of religious beliefs and rejection of the idea of epistemic peers, we can propose a normative approach to comparative theology so that it does not fall into suspension of beliefs, relativism, skepticism, or religious conversion.

Keywords

Epistemology of disagreements, comparative theology, conciliatory view, steadfast view, religious plurality, degrees of belief, ethics of belief.



مقاله پژوهشی

بررسی راهبرد «معرفت‌شناسی اختلاف باور دینی»

در الهیات تطبیقی

مرتضی پیرو جعفری^۱ وحیده فخار نوغانی^۲ جهانگیر مسعودی^۳

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۹/۲۳ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۱/۱۲

چکیده

مواجهه با تکثر دینی که از مهم‌ترین ویژگی‌های زیست در جهان معاصر است، مسئله‌های متعددی را در ساحت معرفت‌شناسی و الهیات مطرح کرده است و آگاهی از تنوع دینی و اختلاف باورهای دینی وظایف معرفتی فرد دین‌دار را به چالش می‌کشد. در حوزه معرفت‌شناسی اختلاف باور که زیرشاخه‌ای از معرفت‌شناسی است، وظایف معرفتی فرد در مواجهه با اختلاف باور تعیین می‌شود و راهکارهای متعددی از مصالحه‌گرایی تام تا نامصلحه‌گرایی برای تعیین وظیفه معرفتی در اختلاف باور معرفی می‌شود. الهیات تطبیقی نیز با رویکرد دینی و الهیاتی، قصد پاسخ‌گویی به چالش تکثر دینی و رویکردهای مختلف الهیاتی در مواجهه با تکثر دینی را دارد که از این طریق به دنبال فهمی عمیق‌تر از ایمان است. این پژوهش با روش توصیفی-تحلیلی به دنبال یافتن راهکاری معرفتی با رویکرد

* این مقاله مستخرج از رساله دکتری مرتضی پیرو جعفری با عنوان: روش‌شناسی الهیات تطبیقی در حکمت متعالیه، (استاد راهنما: دکتر وحیده فخار نوغانی و استاد مشاور: دکتر جهانگیر مسعودی)، گروه معارف دانشگاه فردوسی مشهد می‌باشد

۱. دانشجوی دکتری رشته معارف، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران (نویسنده مسئول).

Morteza.peirojafari@mail.um.ac.ir

fakhar@mail.um.ac.ir

۲. استادیار دانشکده الهیات دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران.

ja_masoodi@yahoo.com

۳. دانشیار دانشکده الهیات دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران.

* پیرو جعفری، مرتضی؛ فخار نوغانی، وحیده و مسعودی، جهانگیر. (۱۴۰۱). بررسی راهبرد «معرفت‌شناسی اختلاف باور دینی» در الهیات تطبیقی. فصلنامه علمی-پژوهشی نقد و نظر، ۲۷(۱۰۶)، صص ۱۶۷-۱۹۵.

Doi: 10.22081/JPT.2022.62638.1901



معرفت‌شناسی اختلاف باور متناسب با الهیات تطبیقی است تا این الهیات نوظهور بتواند به اهداف و دستاوردهای الهیاتی خود برسد. نتیجه‌ای که از این پژوهش حاصل می‌شود آن است که با اتخاذ مبنایی میان نامصال‌گرایی و مصالحه‌گرایی و با تکیه بر تشکیکی بودن باور دینی و طرح مناقشه در اثبات همتای معرفتی، می‌توان رویکردی هنجاری برای الهیات تطبیقی معرفی کرد تا این الهیات نوظهور در دام تعلیق باور، نسبی‌گرایی، شکاکیت و یا تغییر کیش گرفتار نشود.

کلیدواژه‌ها

معرفت‌شناسی اختلاف باور، الهیات تطبیقی، مصالحه‌گرایی، نامصال‌گرایی، تکثر دینی، درجات باور، اخلاق باور.



مقدمه

پدیدهٔ اختلاف باور، از بدیهی‌ترین مسائل در زیست فرهنگی و اجتماعی انسان است و مؤید درجانی از آزادی و اختیار برای انسان در جهت تعیین حدود مرزهای اعتقادی، فرهنگی و اخلاقی است. در معرفت‌شناسی معاصر، رسمیت‌دادن به مباحث اختلاف‌نظر پس از آن صورت گرفته که تلاش برای رسیدن به یک توافق جهانی و همگانی به شکست انجامیده است و دیگر منطقی عقلایی در پس این نگاه آرمانی به توافق‌نظر یکپارچه وجود ندارد. امروزه به دلیل توسعه در ارتباطات جمعی، در زمینه‌های مختلف دینی، اخلاقی، فلسفی، سیاسی و غیره از اختلاف باورهای یکدیگر بیش از پیش آگاهی یافته‌ایم و از دیگر سو، برای زیست مسالمت‌آمیز در کنار یکدیگر، نیازمندیم به گونه‌ای عقلانی با این اختلاف باورها مواجه شویم.

یکی از الزامات زیست جمعی پاسخ به این پرسش است که از منظر معرفت‌شناسی، در برابر اختلاف باور دینی چه باید کرد و برخورد منطقی، معقول و موجه در برابر کثرت اندیشه‌های دینی چیست؟ راهکارهای الهیاتی و فلسفی برای مسئلهٔ تنوع و تکثر در ساحت دین، وظیفهٔ اخلاقی باورمندان به ادیان را تعیین می‌کند و مرز احترام به عقاید مخالف را مشخص می‌سازد؛ چراکه باور دینی از حساس‌ترین حوزه‌های معرفتی است و مقولهٔ دین به دلیل حساسیت ویژه‌ای که دارد، پاسخ‌های الهیاتی خود را نسبت به این تکثر می‌طلبد تا بتواند در جامعهٔ مؤمنان مورد پذیرش باشد. به دلیل همین تنوع در ساحت ادیان و آگاهی‌های دوسویه از این تنوع، برخی الهی‌دانان معاصر با دغدغهٔ توسعه فهم در ساحت ایمان، پیشنهاد واکاوی الهیات سایر ادیان را به منظور آموختن و غنابخشی به درک ایمانی از دین خویش در قالب پروژه‌هایی تحت عنوان کلی «الهیات تطبیقی»^۱ داده‌اند. هدف اصلی الهیات تطبیقی غنی‌سازی یا تعالی خویش‌فهمی خود از دین خاص یا حقیقتی الهیاتی است (Cornille, 2020, p. 12). الهیات تطبیقی درک دیگران در دیگری بودن آن‌ها (Cornille, 2008, p. 9) و راهی آکادمیک برای زدودن تعصبات و



1. comparative theology



کلیشه‌ها است. این الهیات پیروان سایر ادیان را ترغیب می‌کند تا خود را در معرض دیگران قرار داده و الهیات خود را در پرتو شناخت از دیگری، بازخوانی کنند.

اما به ظاهر، راه الهیات تطبیقی هموار نیست و فقدان روش‌شناسی منسجم در این الهیات و دغدغه‌های معرفتی آن، اهداف و دستاوردهای آن را تحت‌الشعاع خود قرار داده است. حقیقتی که در مورد این رشته وجود دارد آن است که الهیات تطبیقی برخلاف جاذبه‌ای که برای پژوهشگران دارد، ماهیت روشی روشنی ندارد. بیشتر کسانی که از آن استقبال می‌کنند کمتر آن را می‌شناسند و از اصول بنیادین آن آگاهی دارند (صادق‌نیا، ۱۳۹۷، ص ۳۳). حقیقتی که در روند الهیات تطبیقی وجود دارد این است که دین همواره با تعهد، التزام به مفاهیم ایمانی و حس تعلق همراه است و طبیعی است که انسان دین‌دار، دین خود را برتر از دیگران بداند. به‌ویژه در نگاه معرفت‌شناختی، مسائل و شاید چالش‌های متعددی در رابطه با آموختن از دیگری، هدفی که الهیات تطبیقی آن را دنبال می‌کند، وجود دارد. این چالش‌ها در معرفت‌شناسی اختلاف باور دینی مطرح می‌شود و با پیشنهاد دو رویکرد مصالحه‌گرایی^۱ و نامصال‌گرایی^۲، رویه‌ای هنجاری برای حل مسئله معرفت‌شناختی این مواجهه مطرح می‌کند. مصالحه‌گرایی به این معنا است که در برابر نظر مخالف همتای معرفتی، شخص باید در نظرات سابق خود تجدید نظر کند و یا آن را به حالت تعلیق در آورد. در مقابل این دیدگاه، نامصال‌گرایی است که اختلاف باور با همتای معرفتی را دلیلی بر دست‌شستن از باورهای سابق فرد نمی‌داند و ادله مصالحه‌گرایان را ناکافی و غیرلازم می‌داند (حجتی، ۱۳۹۷، ص ۲۲).

مسئله این پژوهش این است که کدام رویکرد در معرفت‌شناسی اختلاف باور می‌تواند راهکاری مناسب برای الهیات تطبیقی باشد؟ به دلیل نبودن این حوزه از معرفت‌شناسی، در زبان فارسی پژوهش‌های چندانی به‌ویژه با نگاهی کاربردی به حوزه معرفت‌شناسی اختلاف باور و استفاده از نتایج آن در الهیات تطبیقی و گفتگوی بین

1. conciliatory or conformist

2. steadfast views or non-conformist

دینی صورت نگرفته است. دستاوردهای این پژوهش از آن جهت قابل توجه است که به نتایج معرفت‌شناختی اختلاف باور دینی، در پیشبرد الهیات تطبیقی به‌عنوان مبادی و پیش‌فرض‌های فلسفی ورود به مطالعات الهیاتی در باب ادیان می‌پردازد و در واقع، پژوهشی میان‌رشته‌ای است.

در این پژوهش ابتدا به تعریف الهیات تطبیقی و مسائل آن پرداخته و سپس با طرح معرفت‌شناسی اختلاف باور دینی، راهکارهای معرفت‌شناختی الهیات تطبیقی مورد بررسی و واکاوی قرار می‌گیرد. می‌توان ادعا داشت با تحلیل برخی از مسائل معرفتی پیش روی الهیات تطبیقی از منظر معرفت‌شناسی اختلاف باور، توانایی پاسخ‌گویی به برخی از دغدغه‌های الهیات تطبیقی وجود دارد.

۱. الهیات تطبیقی

الهیات تطبیقی در معنای جدید آن دیرزمانی نیست که در محافل الهیاتی زیست می‌کند و سعی بر تمایز خود با الهیات تطبیقی به معنای آنچه در گذشته انجام می‌شده و یا سایر حوزه‌های دین‌پژوهی دارد. با توجه به ادعای نبودن در هدف و غایات، به دغدغه‌های الهی‌دان‌های سنتی احترام گذارده و بر این نکته پای می‌فشارد که الهیات تطبیقی تهدیدی برای الهیات سنتی نیست. با این حال، این پروژه با مقاومت‌هایی از سوی سنتی‌ها مواجه شده است؛ به‌عنوان نمونه، برخی از کاتولیک‌ها بر این باورند که این الهیات با الهیات سنتی کاتولیک سازگار نیست و گنجاندن الهیات تطبیقی در برنامه‌های پژوهشی این کلیسا به‌مثابه ورود اسب تروا^۱ به الهیات است (Moyaert, 2015, p. 44)؛ به این دلیل که سعی بر بازخوانی و بازتفسیر آموزه‌های سنت خود بر مبنای آموختن از سایر ادیان دارد. اما مویارت، از ایده‌پردازان و طرفداران الهیات تطبیقی به این نکته متذکر شده است که دانش‌بی‌اساس یا مغرضانه از یک سنت دینی بیگانه، منجر به تولید «الهیات ناصحیح»^۲

1. Trojan hours

2. bad theology





می‌شود. به این معنا که اگر به سایر الهیات‌ها به شیوه نوین و جدی پرداخته نشود، نمی‌توان الهیات دین خود را کامل‌ترین دانست و حتی نمی‌توان درک و برداشت خویش را از الهیات و سنت دینی خود، فهمی تام و بی‌عیب به شمار آورد (Moyaert, 2017, p. 185). فرانسویس کلونی این رویکرد الهیاتی را مطابق با تعریف آنسلم از الهیات، یعنی شناخت آنچه بدان ایمان داریم، تکاپوی ایمانی برای فهم می‌داند که با آغاز از سنت دینی خود به هدف آموختن از سنت دینی دیگری، ایمان خود را به مخاطره می‌اندازد تا بصیرت تازه و عمیق‌تری نسبت به سنت دینی خود کسب نماید (کلونی، ۱۳۹۰، ص ۴۴). الهی‌دان تطبیقی در بررسی تطبیقی سایر الهیات‌ها قادر است بینش‌های نو و عمیق‌تری نسبت به سنت دینی خود کسب کند. به بیان کلونی، این رویکرد الهیاتی جدید پاسخی به آگاهی از تنوع دینی در روزگار معاصر است. (Clooney, 2010, p. 8)

شیوه‌های یادگیری و تعامل با دیگر الهیات‌ها در الهیات تطبیقی می‌تواند شامل تحکیم یا تثبیت عقاید الهیاتی خود،^۱ تصحیح و همسوسازی،^۲ بازیابی آنچه در سنت خود فراموش شده است،^۳ بازتفسیر سنت خود،^۴ بازتأیید از سنت دیگری^۵ و از آن خودسازی^۶ آموزه‌های مفید دیگران باشد (Cornille, 2020, pp. 115-137).

چالشی که در فرایند انجام الهیات تطبیقی رخ می‌دهد، چالش معرفت‌شناختی در ساحت باورها است که در جریان مطالعات تطبیقی با هدف به کارگیری شیوه‌های یادگیری از آموزه‌های سایر ادیان ممکن است روی دهد. پرسش‌هایی مانند این که آیا الهی‌دان تطبیقی می‌تواند باورهای خود را به حال تعلیق درآورد و یا از میزان

1. intensification
2. rectification
3. recovery
4. reinterpretation
5. reaffirmation
6. appropriation

آن بکاهد؟ به عبارت دیگر، آیا آگاهی از اختلاف باورها بر توجیه باور هر یک از طرفین تأثیری خواهد گذاشت؟ اگر پاسخ مثبت است، واکنش معقول به این اثرپذیری چیست؟

با اینکه پدیده تنوع ادیان جذابیت‌های خاص خود را دارد، اما برای پژوهشگرانی که تمایل دارند مطالعات دین‌پژوهانه خود را به صورت روش‌مند دنبال کنند و همچنان متعهدانه در سنت دینی خود باقی بمانند، وضعیتی آشفته‌کننده و دشوار است. لذا بیشتر کسانی که به الهیات تطبیقی روی می‌آورند، به دلیل دلهره و ترس از رویارویی با سنت «دیگری دینی» و تزلزل بنیان‌های اعتقادی خود، به درستی به اصول و مبانی نظری الهیات تطبیقی پایدار نبوده‌اند؛ بنابراین آن‌ها از سنت‌های دینی دیگری، چیزی را دیده‌اند که دوست داشته‌اند ببینند (صادق‌نیا، ۱۳۹۷، ص ۳۲). مویارت از این چالش هویتی به‌عنوان نقطه آسیب و شکنندگی الهیات تطبیقی یاد می‌کند (Moyaert, 2014, p. 94).

اگر در جریان گفتگو و مطالعات تطبیقی به لحاظ معرفت‌شناختی، توجیه معرفت‌شناختی ما کاهش یابد، آنگاه باید یا از میزان اطمینان خود بکاهیم و یا به کلی، باورمان را به حالت تعلیق درآوریم. اما اگر توجیه معرفت‌شناختی ما کاهش نیافت، آنگاه مجازیم که با همان قوت قبلی به باورهای خود اعتقاد بورزیم. برخی معتقدند بروز اختلاف باور می‌تواند همچون ناقصی، توجیه باورهای دینی را تضعیف کند یا حتی از میان ببرد. از سوی دیگر، بسیاری معتقدند که حتی با وجود اختلاف باور، مؤمنان می‌توانند به نحو معقول و موجهی، همچنان باورهای دینی خود را حفظ کنند؛ به‌عنوان نمونه، دیوید بیسینگر از انحصار‌گرایانی است که دیدگاه‌های متفاوتی در پذیرش انحصار‌گرایی نسبت به دیگرانی چون پلنتینگا، آلستون و کریگک دارد و معتقد است با وجود انحصار‌گرا بودن می‌توان همه باورمندان را در باور دینی خودشان موجه دانست (Basinger, 2020, p. 400).

۲. معرفت‌شناسی اختلاف باور دینی

معرفت‌شناسی اختلاف باور دینی موضوع جدیدی است که در آن از نگاه





معرفت‌شناسی باور، چالش‌های معرفتی اختلاف باور میان دین‌داران و پیروان سایر ادیان بررسی و تحلیل می‌شود. در دو دهه اخیر، نظر فیلسوفان دین و معرفت‌شناسان به این حوزه جلب شده و آثار و مقالات متعددی در این زمینه به قلم معرفت‌شناسانی چون ریچارد فلدمن^۱، توماس کلی^۲، برایان فرانسیس^۳ و دیگران به انتشار درآمده است.

در حوزه معرفت‌شناسی اختلاف باور دینی، مسائلی مانند عدم توافق در حصر ویژگی‌های همتای معرفتی و تعیین صلاحیت‌ها و فضیلت‌های آن، مداخله عوامل غیرمعرفتی، وزن قرینه‌ای قابل توجهی که به تجربه‌های شخصی داده می‌شود و مصلحت‌اندیشی‌های خاصی که در توجیه باورهای متعارض وجود دارد، از مسائل مشترک میان معرفت‌شناسی اختلاف باور و اختلاف باور دینی است؛ اما با توجه به این که این ویژگی‌ها به‌طور هم‌زمان و به صورتی مضاعف در باورهای دینی وجود دارند، سبب می‌شود تا حوزه معرفت‌شناسی اختلاف باور دینی به‌صورت مستقل قابل بررسی باشد (Pittard, 2021).

عوامل بروز اختلاف باور دینی بسیار متنوع هستند و هر کدام درجه‌ای از وزن‌دهی به گزاره‌های اعتقادی را در بر می‌گیرند. شواهد ناکافی یا ناقص، عدم توزیع صحیح ادله معرفتی میان گزاره‌ها، محدودیت‌های حسی-عاطفی و تأثیرگذاری آن‌ها بر معرفت به باورها، زمان‌مند و مکان‌مند بودن تفسیرهای الهیاتی از متون مقدس، تفاوت‌های فرهنگی و زبانی، دخالت عوامل غیرمعرفتی و تجارب دینی از جمله عوامل مؤثر در بروز این تنوع در باورها هستند.

در برابر اختلاف باور، رویکرد معرفت‌شناسان همسو نیست. برخی از معرفت‌شناسان مانند جیمز کرافت، رویکرد شکاکانه علیه باورهای دینی را به‌عنوان موضع صحیح در برابر این پرسش اتخاذ کرده‌اند و معتقدند که اختلاف باور دینی، توجیه باورهای ایمانی انسان را تضعیف می‌کند (Kraft, 2012). عده دیگری معتقدند باوجود اختلاف باورها،

1. Richard Feldman

2. Thomas Kelly

3. Brian Francis

باورمندان به دین همچنان می‌توانند بر سر باورهای ایمانی خود باقی بمانند و به آن‌ها اعتقاد راسخ داشته باشند.

تفاوت معرفت‌شناسی اختلاف باور دینی با اختلاف در دیگر باورها به تفاوتی است که میان باورهای دینی با سایر باورها همانند باور به شواهد علمی وجود دارد و مؤید حساسیت بیشتر این حوزه معرفتی نسبت به سایر حوزه‌هاست. در شواهد علمی که آژکتیو و همگانی است، سنجه‌های تعیین صدق و درستی گزاره‌ها، ملموس و بر اساس قواعد و روش‌شناسی آن علم است و دقت و درستی موضوعات را می‌توان بر اساس آزمون و تجربه به دست آورد؛ اما جنس شواهد دینی با سایر حوزه‌ها تا حدودی متفاوت است و از استناد به متون مقدس گرفته تا تکیه بر تجربه‌های دینی، همه گواه بر دشواری و حساس بودن بررسی معرفتی اختلاف باور در ادیان است (حجتی، ۱۳۹۷، ص ۲۱). هرکدام از شواهد در ساحت‌ها و دیدگاه‌های مختلف درون دینی و برون دینی، مورد نقد و مناقشه است و شامل طیفی از اندیشه‌های خداناباورانه، تحلیل تاریخی - محتوایی کتاب مقدس، نقدهای کلامی و فلسفی متفکران دینی به یکدیگر و اختلاف باور بینامذهبی^۱ و بینادینی^۲ است. رسالت معرفت‌شناسی اختلاف باور دینی نحوه مواجهه موجه در برابر این مسائل است.

۱-۲. واکنش موجه به اختلاف باور دینی

پس از تبیین مسئله پژوهش و اختلاف باور دینی، به صورت‌بندی نوع مواجهه با اختلاف باور دینی اشاره می‌شود. مواجهه با اختلاف باور، شامل طیفی از دیدگاه‌های شک‌گرایانه تا عدم پذیرش تام است.

معرفت‌شناسانی چون کریستنسن معتقدند می‌توان نظرات راجع به نتیجه را به صورت طیفی از موضع‌گیری‌ها در نظر گرفت. در یک سر این طیف، یعنی نامصال‌گرای،

1. inter-religious disagreements

2. intra-religious disagreements





دیدگاه‌هایی قرار دارند که معتقدند آگاهی از اختلاف باور با همتای معرفتی، از توجیه معرفتی ما نمی‌کاهد و لذا ما همچنان اجازه داریم با همان اطمینان قبلی، بر باور خود باقی بمانیم. اما در سوی دیگر این طیف، دیدگاه‌هایی قرار دارند که معتقدند آگاهی از اختلاف باور با همتای معرفتی، از توجیه معرفتی ما می‌کاهد و ما دیگر مجاز نیستیم با همان اطمینان قبلی، به باور خود اعتقاد بورزیم، بلکه باید به جد از میزان اطمینان خود بکاهیم یا به کلی باور خود را تعلیق کنیم که به آن دیدگاه مصالحه‌گرا یا دیدگاه وزن‌دهی برابر^۱ می‌گویند (D. P. Christensen & Lackey, 2013, p. 1).

۲-۱-۱. مصالحه‌گرایی

از منظر مصالحه‌گرایان، اختلاف باور ناقض معرفتی محسوب می‌شود و انسان پس از معرفت به اختلاف باور با چالش توجیه معرفتی مواجه است و نمی‌تواند همانند گذشته به باور خود ملتزم باشد؛ از این رو در مواجهه با همتای معرفتی و بروز اختلاف باور، موظف است از میزان درجه اطمینان خود به باور بکاهد. در این هنگام، موضع هر دو طرف باید تا حد امکان به اندازه‌ای نزدیک به هم شود که اختلاف باور به حداقل ممکن برسد. استدلال رایجی که مصالحه‌گرایان در قبال مواجهه با اختلاف باور دینی مطرح می‌کنند به قرار زیر است:

۱. اگر فرد باور موجه پیدا کند که در زمینه‌ای خاص، فردی که مافوق معرفتی یا همتای معرفتی او است با او اختلاف باور دارد، آنگاه باید برای دیدگاه مخالف وی وزن بیشتر یا وزنی برابر با دیدگاه خویش قائل شود؛
۲. فرد باور موجه دارد که در زمینه باورهای دینی، فردی که مافوق معرفتی یا همتای معرفتی او است با او اختلاف باور دارد؛
۳. بنابراین در زمینه باورهای دینی، باید برای دیدگاه مخالف مافوق معرفتی یا همتای معرفتی اش وزن بیشتر یا وزنی برابر با دیدگاه خویش قائل شود. (Pittard, 2021).

1. the equal weight view

نکته قابل مناقشه در این استدلال به مقدمه دوم و نتیجه آن مرتبط است. اول آنکه با چه معیارهایی همتای معرفتی یا مافوق معرفتی در اختلاف باور دینی قابل شناسایی است؟ و دوم آنکه با اعتراف به همتابودن یا مافوق معرفتی بودن طرف مقابل، آیا به راستی باید وزن بیشتری به دیدگاه مخالف خود داد؟ هرچند به اذعان کریستنسن، مواردی وجود دارد که اختلاف باور بین همتایان معرفتی باعث تعلیق اجباری باور می‌شود، اما آیا اختلاف معرفتی بین دو همتا باعث تعلیق باور می‌شود؟

مصالحه‌گرایان اختلاف باور را نقیض شاهد مرتبه بالاتر^۱ می‌دانند و به همین دلیل است که صلاحیت معرفتی طرف مقابل در تعیین ارزش شاهد بالاتر، اهمیت دارد و معتقدند که از نظر عقلانی، صحیح نیست فرد باورمند همچنان به باورها التزام داشته باشد، مگر آنکه دلیل مستقلى برای حفظ باورش داشته باشد (حجتی، ۱۳۹۷، ص ۲۲).

برایان فرانسیس و جاناتان ماتسون در مدخل استنفورد، دیدگاه مصالحه‌گرایی را متشکل از سه مؤلفه اساسی می‌دانند: نقض^۲، وزن‌دهی برابر^۳ و استقلال^۴.

منظور از مؤلفه نقض، صرف آگاهی شخص از این واقعیت است که یکی از همتایان معرفتی او درباره P با او اختلاف باور دارد، لذا این آگاهی دلیلی به دست می‌دهد که باور شخص درباره P نادرست است.

وزن‌دهی برابر، مهم‌ترین مؤلفه در مصالحه‌گرایی است. اکثر مباحث موجود در

۱. در معرفت‌شناسی اختلاف نظر، از دو نوع شاهد سخن به میان می‌آید: شاهد مرتبه پایین‌تر شهادی است که مستقیماً یا از گزاره خاصی دفاع کرده یا گزاره خاصی را رد می‌کند؛ به دیگر سخن، شاهد مرتبه پایین‌تر شهادی است که مستقیماً صدق یا کذب گزاره خاصی را نشان می‌دهد. در مقابل، شاهد مرتبه بالاتر شهادی است که وظیفه فوق را به صورت غیرمستقیم انجام می‌دهد؛ یعنی مستقیماً به صدق یا کذب گزاره خاصی ارتباط ندارد، اما مستقیماً به این پرسش که آیا شواهد مرتبه اول له یا علیه آن گزاره را به درستی ارزیابی کرده‌ایم یا نه، ارتباط دارد و به تعبیری، قدرت اتقاعی شاهد مرتبه اول را افزایش داده و بر توجیه گزاره مورد نظر تأثیر دارد (نک: کریمزاده، ۱۳۹۴) به تعبیر پیتارد، علم به وجود اختلاف نظر دینی، هم شاهد مرتبه بالاتر و هم شاهد مرتبه پایین برای ایجاد نگرانی و اضطراب نسبت به باورهای دینی است (نک: (Frances, Bryan. *Disagreement*, 2014).

2. defeat
3. equal weight
4. independence





حوزه معرفت‌شناسی اختلاف باور به‌نحوی در تأیید یا در واکنش به مؤلفه وزن‌دهی برابر صورت گرفته است. مدعای اصلی این دیدگاه این است که باید برای دیدگاه همتای معرفتی خود به اندازه دیدگاه او وزن معرفتی قائل شوید. طرفداران وزن‌دهی برابر معتقدند که اگر باور شخص به گزاره P با باور رقیب به همین گزاره متفاوت و در دو سوی تقابل قرار داشته باشد، برای شخص معقول نیست که باور رقیب را به صرف مخالفت با باور خود، نادیده بگیرد و برای رقیب نیز جایز نیست که باور طرف مقابل را نادیده بگیرد. آگاهی از باور مخالف همتای معرفتی به همان اندازه، می‌تواند شهادی برای نادرستی باور شخص تلقی شود. این مؤلفه از مصالحه‌گرایی، گرایش بیشتری به شکاکیت دارد و لذا انتقادهایی علیه وزن‌دهی برابر از سوی برخی مخالفان مصالحه‌گرایی آورده شده است.

استقلال نیز به این معنا است که در مقام نادیده‌گیری و بی‌اعتنایی به دیدگاه مخالف همتای معرفتی شخص، باید صرفاً به دلایلی اتکا شود که به اختلاف باور کنونی ربطی ندارد و کاملاً از آن مستقل است. کریستنسن در بیان این مؤلفه این‌گونه می‌گوید: «در مقام ارزیابی صلاحیت‌های معرفتی باور فرد دیگر به P، برای تعیین اینکه چگونه باور خود به P را تعدیل کنیم (اگر اساساً تعدیلی لازم باشد)، باید ارزیابی خود را به گونه‌ای انجام دهیم که از استدلالی که برای باور اولیه خود به P داریم، مستقل باشد» (Christensen, 2009, p. 758).

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

۲-۱-۲. نامصالحه‌گرایی

نامصالحه‌گرایی معتقد است وجود اختلاف باور، شهادی علیه باور شخص نیست و می‌توان به گونه‌ای موجه بر باورهای خود باقی ماند. نامصالحه‌گرایان معتقدند مصالحه‌گرایی با انتقادهای جدی روبه‌رو است و برخلاف ادعای صریح و معقول خود نسبت به تعلیق باورها و یا وزن‌دهی برابر، برای رسیدن به نقطه مطلوب راه همواری ندارد. مخالفان دیدگاه مصالحه‌گرایی، بر این نظر هستند که پذیرش وزن‌دهی برابر، متضمن درجه بالایی از بی‌ارادگی در برابر حرف مخالف است؛ چراکه در این دیدگاه توصیه

می‌شود که فرد در برابر طیف وسیعی از باورهای ارزشمند، تنها به این دلیل که همتای معرفتی‌اش با او مخالف است باید مصالحه یا تعلیق باور کند (حجتی، ۱۳۹۷، صص ۳۱-۳۵). نسبی‌گرایی، افتادن به دام شکاکیت حداکثری، فقدان معیاری برای تعیین همتای معرفتی، و خودمتناقض یا خودشکن بودن از جمله مسائلی است که مصالحه‌گراها باید به آن پاسخ دهند. در این بخش، به بررسی دو نقد شاهد مرتبه بالاتر و چالش همتای معرفتی پرداخته می‌شود.

۲-۱-۲. شاهد مرتبه بالاتر

مصالحه‌گراها برای توجیه تعلیق باور، آگاهی از اختلاف باور با همتای معرفتی را شاهد مرتبه بالاتر برای نقض صدق گزاره‌ها می‌دانند و آگاهی از نظر مخالف همتای معرفتی به مثابه شاهد مرتبه اول، توجیه باور شخص را از بین می‌برد.

در نقد این مدعا باید گفت شواهد مرتبه بالاتر مستقل از شواهد مرتبه پایین‌تر یا شاهد مرتبه اول، یا شاهد به شمار نمی‌آیند یا دست کم شاهد به شمار آوردن این دسته از شواهد به طور مستقل، مناقشه برانگیز است؛ در صورتی که شاهد مرتبه بالا، تنها هنگامی به کار می‌آید که به شواهد مرتبه اول دسترسی نباشد. بنابراین شواهد مرتبه بالاتر زمانی توجیه‌گر گزاره است که شخص نتواند تأثیر شواهد مرتبه اول را بر صدق یا کذب آن گزاره اعمال کند (کریم‌زاده، ۱۳۹۴، ص ۱۰۷).

۲-۲-۲. فقدان معیار مشترک برای ارزیابی موقعیت معرفتی افراد مختلف

مهم‌ترین چالش مصالحه‌گرایی، فقدان معیاری برای تعیین همتا یا مافوق معرفتی به‌ویژه در اختلاف باورهای دینی است. اصطلاح همتای معرفتی به اختصار اشاره به شخصی است که وزن شواهد او در تعارض و اختلاف با رقیب برابر است. هم‌وزن بودن شواهد برای هر دو طرف اختلاف مهم‌ترین مؤلفه برای تعیین وضعیت همتایی است. لذا اثبات این نکته که آیا در فرایند گفتگوی دینی و یا پرداختن به الهیات تطبیقی، طرف گفتگوگر شخص، همتای معرفتی او محسوب می‌شود یا خیر، روش‌شناسی





معرفتی خاص خود را می‌طلبد. توماس کلی دو شرط زیر را برای همتای معرفتی ذکر می‌کند: ۱. آن دو فرد از حیث آشنایی با شواهد و دلایل که به پرسش مورد بحث ارتباط دارد، در شرایط برابر قرار داشته باشند؛ ۲. آن دو در برخورداری از فضایل معرفت‌شناختی عمومی^۱ از قبیل هوش، تعمق و رهایی از تعصب در شرایط برابر قرار داشته باشند (Kelly, 2019, p. 255).

اشاره به این نکته نیز ضروری است که همتای معرفتی، عنوانی نسبی است و تنها در صورتی به کار می‌آید که فرد در زمینه معرفتی خاصی از هر نظر همتای معرفتی باشد. بنابراین صحیح است که بگوییم: «شخص S در زمینه معرفتی X (مثلاً فلسفه، جامعه‌شناسی، ریاضیات) همتای معرفتی شخص Y است» با این حساب، اگر فرد اول همتای معرفتی فرد دوم نباشد، مادون معرفتی یا مافوق معرفتی او محسوب می‌شود و صورت‌بندی دیگری در معرفت‌شناسی اختلاف باور پیدا می‌کند.

از جمله معیارهایی که در تعیین همتای معرفتی مطرح شده است، معیار ارزیابی بر اساس توافق گسترده یا عدم توافق با طرف مقابل است. الگا مطرح می‌کند که اگر اختلاف در مسائل به صورت زیاد و گسترده باشد، احتمالاً همتا نیستیم و بالعکس؛ مثلاً در امتحان ریاضی اگر پاسخ‌های من با همکلاسی خود نزدیک به هم باشد، قرینه‌ای است که ما همتای معرفتی در ریاضی هستیم، حتی اگر هر دو در امتحان ریاضی مردود شویم (Elga, 2007, pp. 492-496).

همان‌طور که کلی مطرح کرده است، دو نکته در جایگاه معرفتی شخص اهمیت دارد: نخست مدارک و شواهد مورد استناد طرفین و دوم نحوه استناد به شواهد و پردازش آن‌ها که به روش‌شناسی، فضائل معرفتی و توانایی معرفتی مرتبط است. با توجه به این دو نکته، برخی معتقدند که همتا کسی است که هم در شواهد و ادله و هم در نحوه پردازش آن‌ها با هم یکسان باشند؛ به‌عنوان نمونه، کاترین الگین می‌گوید همتایان معرفتی باید «در شواهد، توانش استدلال‌ورزی، آموزش و مفروضات ذهنی پس‌زمینه

1. general epistemic virtues

یکسانی داشته باشند» (Catherine Z. Elgin, 2010, p. 50). اما برخی معتقدند این یکسان بودن ضرورت ندارد و در عوض، برابری مهم است؛ حتی اگر هم به نحو متفاوتی پردازش می‌کنند. به عنوان مثال، افرادی که از روش‌های مختلف برای حل یک مسئله ریاضی استفاده می‌کنند، در صورتی که روش‌ها به یک اندازه قابل اعتماد باشند، می‌توانند همتایان معرفتی باشند. لذا با توجه به این نکات برای همتابودن، برابری اهمیت بیشتری نسبت به یکسان بودن دارد.

نقد دیگری که در برابر نظریه همتای معرفتی مطرح می‌شود، در زمینه تعیین سنج‌های قابل قبول و جهان‌شمول برای تعیین همتای معرفتی یا مافوق معرفتی است. بررسی پاسخ‌های مطرح شده نشان می‌دهد که در تعیین همتای معرفتی دشواری‌هایی وجود دارد؛ به ویژه اینکه در دعاوی دینی و گفتگوهای الهیاتی، این حساسیت بیشتر و تعیین آن دشوارتر می‌شود.

۲-۱-۳. درجات باور دینی

دیدگاه سنتی در معرفت‌شناسی، یعنی نظریه تطبیقی صدق^۱، نحوه مواجهه با باورها را به سه دسته همه، هیچ^۲ و تعلیق باور دسته‌بندی می‌کند؛ به عبارت دقیق‌تر، باور به صدق گزاره، باور به کذب آن و یا تعلیق باور. مطابق این دیدگاه، باورها و گرایش‌های اعتقادی نیز در حکم گزاره‌هایی هستند که به صدق و کذب متصف می‌شوند. منظومه اعتقادی انسان‌ها متشکل از هزاران گزاره‌ای است که در طول زندگی بر اثر عوامل متعددی، خودآگاه یا ناخودآگاه به آن‌ها ملتزم شده‌اند و تفکیک آن‌ها بر اساس سه حالت صادق، کاذب و یا تعلیق باور کاری دشوار است و بهتر است نظام اعتقادی را بر اساس طیفی از باورها در نظر گرفت که درجات صدق آن‌ها با هم برابر نیست، اما در عین حال همه آن‌ها را صادق می‌دانیم. دین، تنها یک باور محض به یک حقیقت

1. correspondence theory of truth

2. all or nothing





متعالی نیست، بلکه مجموعه و نظام باورهای درباره آن امر متعالی است که نسبت به هم تقدم و تأخر و شدت و ضعف دارند و در انسان، نوعی تعهد درونی و اخلاقی نسبت به خود ایجاد می‌کنند (قربانی، ۱۳۹۳، ص ۱۰۶). این دیدگاه، دیدگاهی است که اکثر معرفت‌شناسان در حوزه اختلاف باور به آن معتقدند و تعبیر «درجات باور»^۱ یا «نظام تشکیکی باورها» را برای آن به کار می‌برند. بدین ترتیب، دسته‌بندی سه‌گانه رایج در معرفت‌شناسی باورها، به ظاهر در باورهای دینی ناکارآمد است و نمی‌تواند توصیف‌گر واقعیت بیرونی اختلاف باورهای دینی باشد. از طرف دیگر، یکی از رهاوردهای نگاه سه‌گانه به باورها، پیدایش شکاکیت و تعلیق باورها و یا جزم‌گرایی است. دیوید کریستنسن، بر این اساس معتقد است برای رهایی از این تنگنا، باید به باور به‌عنوان مقوله‌ای تشکیکی بنگریم تا همه درجات باور، میزانی از اعتبار را در برداشته باشند (Christensen, 2007, p. 213). به عبارتی، نظام معرفتی انسان طیفی پیوسته از عقاید است که در مواجهه با باوری مخالف و عقلانی، باور را تعلیق کامل نمی‌کند، بلکه به همان میزان درجه‌ای از میزان باورمندی خود را می‌کاهد و به اصطلاح، باور خود را «تعديل» می‌کند. به همین قیاس، تعلیق باور به صرف آگاهی از اختلاف باور، کاری ناموجه است.

۳. معرفت‌شناسی اختلاف باور و الهیات تطبیقی

الهیات تطبیقی به حفظ هویت در فرایند مقایسه و پژوهش و هم‌زمان به بازتفسیر، یادگیری و اصلاح الهیات خویش نیازمند است و این نیاز می‌طلبد جایگاه معرفتی خود را در مواجهه با دیگری دینی بسنجد. نقدهایی که بر هر دو سوی مصلحه‌گرایی و نامصلحه‌گرایی وجود دارد، موضع الهیات تطبیقی را در فضای گفتگوی بین دینی شفاف‌تر می‌سازد.

معمولاً بحث اختلاف باور زمانی قابل بررسی است که این اختلاف بین همتایان معرفتی روی می‌دهد. معرفت‌شناسان در این زمینه هم‌داستان نیستند و نظریات مختلفی

1. degrees of belief

در این باره دارند. اختلاف باور میان همتایان معرفتی، حکم معرفت‌شناختی روشنی ندارد. در الهیات تطبیقی و گفتگوی ادیان، این اضطراب هویتی در جریان گفتگوی دینی است که جایگاه معرفتی الهی‌دان در هنگام مواجهه با دیگری دینی را حائز اهمیت می‌کند. بنابراین تعیین اینکه چه کسی همتای معرفتی یا مادون معرفتی است، برای هویت‌یابی الهی‌دان اهمیت دارد و البته کاری دشوار است. سنجه‌هایی برای تعیین همتای معرفتی وجود دارند که می‌توان بر آن‌ها داوری معرفتی بنا نمود؛ اما همچنان این سنجه‌ها مورد مجادله هستند. برخی از معرفت‌شناسان استدلال کرده‌اند که باور موجه داشتن به اینکه طرف مقابل من، همتای معرفتی یا مافوق معرفتی من است، ناممکن و یا بسیار سخت است. از سوی دیگر، تعریف همتای معرفتی که در معرفت‌شناسی اختلاف باور مطرح است، در زمینه باورهای دینی کارایی ندارد؛ چراکه معیارهای صلاحیت تعیین همتا یا مافوق معرفتی در ساحت ادیان با صلاحیت‌های معرفتی در سایر حوزه‌های عمومی متفاوت است. بنابراین ممکن است در حوزه‌های عمومی معرفتی، دو فرد همتای هم محسوب شوند، ولی در حوزه باورهای دینی این همتایی وجود نداشته باشد. این نکته مهمی است که باید در روش‌شناسی الهیات تطبیقی مورد توجه قرار گیرد. در حقیقت، در فرایند آموختن از دیگری دینی، برخی از نکات معرفت‌شناسانه‌ای که می‌تواند به الهی‌دان در اتخاذ موضع ایمانی کمک کند، موضع‌گیری در برابر مصالحه‌گرایی نام است. به همین طریق، نقد اثبات همتایی معرفتی در جریان الهیات تطبیقی کمکی برای پذیرفتن مصالحه‌گرایی است.

دلایلی که تشخیص همتایی معرفتی در باورهای دینی را با اشکال مواجه می‌سازد متعددند که در ادامه به برخی از آن‌ها اشاره خواهد شد:

الف) وجود اختلاف باور دینی در سطوح مختلف، قرینه‌ای بر عدم همتایی معرفتی است. چنین موردی شبیه به عدم توافق میان طرفینی است که در آن، هر دو فاقد دلیل خوبی برای اثبات همتایی یا برتری معرفتی و پایان‌دادن به مناقشه هستند. یعنی این سطح اختلاف در ادیان ناظر به این نکته است که پیروان ادیان مختلف، خود را همتای معرفتی برای هم نمی‌دانند و این مناقشه در همتایی معرفتی در مقام ثبوت است.





ب) یافتن مرجع واحد و قابل اعتماد برای تعیین همتایی معرفتی امر دشواری است؛ چراکه اگر شواهد تعیین همتای معرفتی، منابع درونی باشند، آن‌گاه یافتن مرجعی بیرونی و بی‌طرف برای مشخص کردن همتایی معرفتی کاری دشوار است؛ به‌عنوان مثال، یک فرد مسیحی می‌تواند با استناد به آیاتی از رسالهٔ قرنیتان ادعا کند که استدلال‌های عقلانی به کسی در جهت فهم حقیقت کمک نمی‌کند و در عوض، این تجربه‌های ایمانی است که در فهم حقیقت کمک‌رسان است (Pittard, 2014, pp. 87-91). مؤمنان ممکن است هر کدام فکر کنند که شواهد آن‌ها بهتر از دیگران است. جان دپو نیز می‌گوید: «با توجه به ماهیت فردی تجارب دینی (و تضاد آن‌ها با یکدیگر)، ما قادر به مقایسه کیفیت شواهد تجارب دینی فرضی مختلف نیستیم» (DePoe J, 2011, pp. 79-120). با این نگاه اگر کسی نتواند شواهد را مقایسه کند، پس می‌تواند شواهد خود را برتر بداند.

در مورد مناقشاتی که بر سر تعیین معیارهایی برای مشخص کردن همتای معرفتی وجود دارد، پاسخ مشخص و قابل‌تعمیمی وجود ندارد. دخالت ایمان و مبانی درون‌دینی، تجربه‌های دینی، دخالت عوامل غیر معرفتی و نبود سنجه‌ای قابل‌اتکا، همه مسائلی است که در اختلاف باور دینی، تشخیص همتای معرفتی را با دشواری مواجه می‌سازد. اثبات برتری بر اساس تجربهٔ دینی به این دلیل است که شهادی ورای معرفت عقلی و حجتی درونی و شخصی برای انسان وجود دارد که او را مجاب می‌کند همچنان به باورهای قبلی خود ایمان داشته باشد. البته باید اذعان داشت تجربهٔ دینی یک رخداد احساسی محض نیست، بلکه با مفاهیم و اعتقاداتی سروکار دارد که به آن موجود قدسی تجربه‌شده ناظرند. برای فهم تجربهٔ دینی دست کم تا حدی به نظامی از اعتقادات دینی محتاجیم که به وسیلهٔ عقل قابل ارزیابی و فهم است (پترسون و هاسکر، ۱۳۸۸، ص ۷۱).

ج) دلیل دیگر، ویژگی‌هایی است که فرد را متقاعد می‌کند حفظ جایگاه ایمان برای او ضروری است و دلیلی بر ترک آن نمی‌بیند. اکثر این ادله بر مبانی درون‌دینی استوار است؛ برای مثال، بودایی‌ها معتقدند که مدیتیشن برای دیدن حقایق در آموزه‌های بودایی و درک حقایق نهایی جهان ضروری است (Choo, 2018) یا همانند خطاهای

معرفتی که نشئت گرفته از گناه آلود بودن انسان است؛ چه این گناه، از نظر دیانت مسیحی، ناشی از سرشت گنه آلود انسان یا گناه ازلی^۱ او باشد و چه به دلیل سایر گناهان که ممکن است دریافت‌های ایمانی را مورد خدشه قرار دهد. یک خدا باور مسیحی ممکن است دلیل نادرستی باور خداناباوران نسبت به مؤمنان را گناه بی‌ایمانی او بداند که بر اثر آن معرفت دینی خود را از دست داده است و به همین دلیل، از نظر معرفت دینی نابینا است و درکی از معرفت مؤمنان به خدا ندارد؛ به عنوان مثال، پلنتینگا معتقد است که اعتقاد به خدا و یا آموزه‌های اصلی مسیحیت، باورهایی هستند که می‌توانند برای یک فرد «باور پایه»^۲ باشند؛ بدین معنا که از هیچ باور دیگری استنباط نمی‌شود. این باور پایه را هر فرد مؤمن مسیحی که به مسیح ایمان آورده و از گناه ازلی مبرا گشته است، درک می‌کند. بنابراین سرشت گنه آلود انسان در قوای ادراکی او تأثیرگذار است.^۳ در معرفت‌شناسی اصلاح‌شده، تجربه دینی نقشی مستقل در موجه‌ساختن اعتقادات دینی ایفا می‌کند؛ یعنی برای نشان‌دادن اعتمادپذیری چنان تجربه‌ای، نیاز به برهان پیشین نیست. چه بپذیریم یا نه، روشی کلی برای حصول اجماع فلسفی در این زمینه وجود ندارد و فیلسوفان چون از مبادی متفاوتی آغاز می‌کنند و به اعتقادات متفاوتی ملتزم هستند، اختلاف باورهایی پیدا می‌کنند که بر مبنای یک عقلانیت فلسفی مشترک، قابل حل فصل نیست (پترسون و هاسکر، ۱۳۸۸، ص ۲۴۵).

ممکن است در پاسخ، این نکته مطرح شود که اگر ادله درون‌دینی، باقی ماندن بر موضع نخستین متأله را توجیه می‌کند، ادله برون‌دینی و مخالف نیز باقی ماندن وی بر موضع نخستین را تضعیف می‌کند! پس تا به جمع‌بندی مناسب از این دو دسته دلیل نرسیده است، باید موضع تعلیق را انتخاب کند! در پاسخ باید گفت که وزن ادله درون‌دینی با وزن ادله برون‌دینی یکسان نیست. ادله درون‌دینی اگر انسجام معنایی داشته

1. original sin

2. basic belief

۳. از نظر برخی متألهان، گناه تأثیری مستقیم بر نظام معرفتی انسان دارد و انسان را از درک معارف و حقایق ایمانی باز می‌دارد. این دفاع را basic belief apologetic می‌گویند (نک: پورسینا، ۱۳۸۲).





باشند، همچنان برای پیروی موجه باقی می‌مانند و فرد مؤمن هیچ‌گاه باورهای دینی خود را به دلیل نقض از سوی ادله برون‌دینی به حال تعلیق در نمی‌آورد.

(د) از دیگر مباحثی که در امکان خطای معرفتی بحث می‌شود، دخالت عوامل غیر معرفتی در فرایند استدلال و توجیه باورها است. زکریای رازی در نقش نظریه پرداز، به عوامل غیر معرفتی دخیل در فرایند منطقی استدلال و خرد آدمی توجه نشان می‌دهد و از نیروی هوی به عنوان فریب‌دهنده خرد انسانی یاد می‌کند که در روند پردازش منطقی به اطلاعات دست برده و استدلال را به گونه‌ای سامان می‌دهد که فرد آن را شایسته و از نظر عقلی موجه کند. چالش دو نیروی متضاد درونی به نام‌های خرد و هوی، ادراکات و تصاویر موجود در ذهن را فریب داده و نتایجی غیر از نتایج خرد سالم به بار می‌دهد. این فرایند ناهشیار در اندیشه مولوی با تعبیر «خیال» آمده است (به نقل از قراملکی و ناسخیان، ۱۳۹۶، صص ۲۷-۳۴) مولوی از عوامل مختلفی چون امیال و هواهای نفسانی، عواطف و ملکات که رهن معرفت انسانی است، سخن گفته است (مولوی و موحدی، ۱۳۹۶).

وظیفه معرفت‌شناختی برای شناسایی عوامل غیر معرفتی دخیل در فرایند خردورزی انسان‌ها، خود امری دشوار برای رسیدن به ملاکی جهت سنجش و ارزیابی میزان درستی باورهای اعتقادی است؛ لذا نمی‌توان ساحت عقاید را به دور از سایر ساحت‌های روانی-عاطفی مورد سنجش قرارداد و باید تأثیرات متقابل آن‌ها بر یکدیگر را در نظر گرفت (اکبرزاده، ۱۳۹۰، ص ۶۴).

۴. راه‌حل پیشنهادی

با تناظر بین معرفت‌شناسی اختلاف باور و عقل‌گرایی انتقادی - اعتدالی، می‌توان موضع مناسبی برای الهیات تطبیقی انتخاب کرد. اگر موضع مصالحه‌گرایی را متناظر با عقل‌گرایی حداکثری بدانیم و نامصالحه‌گرایی را با ایمان‌گرایی قرین سازیم، آنگاه موضع موجه و منطقی، جایگاهی میان عقل‌گرایی حداکثری و ایمان‌گرایی یا به عبارت دیگر، مصالحه‌گرایی و نامصالحه‌گرایی خواهد بود. با این تفاوت که مصالحه‌گرایی از نظر اخلاق باور، آگاهی از اختلاف باور را ناقض معرفتی برای شخص می‌داند و مانند

در موضع قبل را غیر اخلاقی قلمداد می‌کند؛ اما در عقل‌گرایی حداکثری، لزوم جستجو و تتبع عقلی برای اقناع حداکثری نسبت به ادله را از لوازم اخلاق باور می‌داند. خصایص بارز الهیات تطبیقی گشودگی و بازبودن نسبت به دیگری، حفظ هویت دینی الهی‌دان تطبیقی و آموختن از دیگری و باز تفسیر الهیاتی است. موضع اعتدالی در میان مصالحه‌گرایی و نامصلحه‌گرایی به دو لحاظ، موضع معقولی می‌تواند باشد: اول اینکه در الهیات تطبیقی، الهی‌دان باید موضع ایمانی خود را حفظ کند و دوم اینکه با حفظ هویت دینی و ایمانی خود، فرایند آموختن از دیگری دینی و باز تفسیری از الهیات خود نیز داشته باشد.

مصالحه‌گرایی با تردیدهایی که در پی آن وجود دارد، نمی‌تواند اولویت انتخاب الهی‌دان تطبیقی باشد. از سوی دیگر، موضع نامصلحه‌گرایی تام - رویکرد موردعلاقه انحصارگرایان - نیز، خود دچار برخی ابهامات و کاستی‌ها است و با اهداف الهیات تطبیقی ناسازگار است؛ چراکه هدف الهیات تطبیقی، فهم و تعمقی تازه در وادی ایمان و در پرتو مطالعات ادیانی است. مراتب باور در کنار شیوه‌های آموختن از دیگری دینی در الهیات تطبیقی اقتضا می‌کند تا الهی‌دان، موضعی میان مصالحه‌گرایی و نامصلحه‌گرایی اتخاذ کند؛ به این معنی که از منظر معرفتی، لازم نیست در مواجهه با آرای دیگران باورهای خود را تعلیق کند و یا تغییر کیش صورت پذیرد. مراتب باور، مؤید دیدگاه شکاکانه در مصالحه‌گرایی نیست، بلکه مؤید تعدیل و اصلاح در باورها است که با تعلیق و نفی باورها متفاوت است. این امکان وجود دارد که نظریات الهیاتی با توجه به معرفت‌شناسی اختلاف باور تعدیل شود و این همان هدف مهمی است که در الهیات تطبیقی دنبال می‌شود. ذات الهیات تطبیقی گفتگو محور است و این گفتگوها میان الهی‌دانان با یکدیگر و یا میان الهی‌دان و متن مقدس به کاستن هر چه بیشتر خطاهای معرفتی کمک می‌کند؛ اما قرار نیست همسانی در اعتقادات محقق شود. این نکته‌ای است که در نفی دیدگاه وزن‌دهی برابر وجود دارد و الهیات تطبیقی نیز در حکم همین قاعده است.

الهی‌دان ممکن است به دلیل احتمال وجود همتایان معرفتی، حجت قاطع و نهایی





نداشته باشد، لکن برای انتخاب و باقی ماندن بر موضع نخستین خود، ادله و حجت‌های نخستینی دارد که موجه انتخاب او هستند و تا زمانی که برهان و حجت قاطعی برخلاف دیدگاه او ارائه نشود، وی حق دارد بر مواضع نخستین خود باقی بماند؛ زیرا همان اخلاق باوری که به او می‌گوید حق نداری دیدگاه خود را به‌عنوان دیدگاه قاطع نهایی اعلام کنی، همان اخلاق باور هم می‌گوید تا دلیل قاطعی برخلاف آن نیافتی، حق داری بر موضع نخستین خود باقی بمانی؛ بدین طریق از افتادن در دام شکاکیت اجتناب می‌شود. از این نظر، وجود همتایان معرفتی و رقیب باعث می‌شود همواره در مسیر دانستن و بررسی ادله مخالفین و رقبا بکوشد و باید در بررسی دلایل مخالفان و رقبای معرفتی موضعی فعال و مستمر داشته باشد؛ ولی این سخن به معنای شکاکیت قوی یا تعلیق کامل دیدگاه‌های نخستین خود نیست.

نتیجه‌گیری

تکثر دینی و آگاهی از آن، مسائل متعدد معرفتی و الهیاتی را برانگیخته است که مهم‌ترین ثمره آن در معرفت‌شناسی اختلاف باور، قول به تعلیق باور به دلیل ناقض معرفتی بودن آن برای باورهای نخستین فرد است. الهیات تطبیقی به‌عنوان رشته‌ای نوظهور در الهیات مسیحی، به‌عنوان روشی هنجاری می‌تواند از دستاوردهای معرفت‌شناسی اختلاف باور در مبادی نظری خود بهره ببرد. یافتن جایگاهی میان مصالحه‌گرایی و نامصال‌حله‌گرایی، موضعی است که در الهیات تطبیقی راه‌گشا است. می‌توان برای مواجهه و توجیه رویکرد معرفتی در اختلاف باور دینی، چهار موضع تصور کرد:

- موضع اول: اختلاف دینی، اختلافی همتا است که در آن طرفین ادله خوبی دارند تا یکدیگر را همتای معرفتی خود محسوب کنند.
- موضع دوم: طرفین اختلاف حق دارند خود را نسبت به دیگری مافوق تلقی کنند. لذا از نظر معرفتی حق دارند در عقاید خود استوار بمانند.
- موضع سوم: دلیل موجهی وجود ندارد که چه موضعی باید گرفت، اما دلیل کافی

هم برای نادیده گرفتن طرفین به عنوان همتای معرفتی نداریم.

موضع چهارم: طرفین مورد اختلاف دلیل خوبی دارند که همتا نیستند، اما دلیلی هم ندارند که کدام یک مافوق معرفتی هم هستند.

با نفی موضع اول و دوم می توان گفت در موقعیتی که برتری معرفتی مورد تأیید قرار نگیرد، طرفین مناقشه می توانند در حفظ اعتقادات خود ثابت قدم بمانند و با وجود این، رویکرد تحقیق و تتبع برای اصلاح وضعیت اعتقادی کنونی خود را نیز داشته باشند.

موقعیت یابی در مورد همتایی معرفتی در جهت اتخاذ موضع مصالحه گرایی اهمیت دارد؛ اما مشارکت کننده ها در اختلاف باور، از موقعیت برابر معرفتی برخوردار نیستند و تعیین مافوق یا همتا، کاری دشوار و چه بسا فاقد معیاری بیرونی است. چیزی که از دو استاندارد ارزیابی می توان فهمید این است که طرفین در اختلافات باور دینی، اغلب دلیل خوبی برای این فکر دارند که طرف مقابل یک همتا نیست؛ به عبارت دیگر، اگر دلیل قانع کننده ای برای اثبات همتابودن طرف مقابل نداشته باشیم، آن گاه استدلال مصالحه گرایی یا شکاکیت نادرست خواهد بود.

الهی دان تطبیقی می تواند در گام اول، وجود اختلاف باور را ناقض معرفتی برای باور خود محسوب نکند و در گام بعدی، با نقد وزن دهی برابر در داوری معرفتی و نیز مناقشه در معیارهای ارزیابی همتایی، از تعلیق باور یا اتخاذ موضع شکاکانه ببرد.

مصالحه گرایی و تعلیق باور نمی تواند مدل مطلوبی برای الهیات تطبیقی و یا گفتگوی ادیان باشد. به دیگر سخن، نمی توان از الهی دان تطبیقی انتظار تغییر کیش، تعلیق باورهای خود یا تأیید آموزه های سایر ادیان را داشت؛ اما از نظر معرفتی می تواند با کمک سایر الهیات ها آموزه های خود را تعمیق بخشد؛ به این معنا که هنوز حجیت با منابع درونی دینی فرد خواهد بود و ارجاع به منبعی ایمانی، ارجاع به کتب مقدس خود فرد است.



فهرست منابع

۱. اکبرزاده، میثم. (۱۳۹۰). تأثیر عوامل غیر معرفتی بر فرایند کسب معرفت. پژوهش‌های فلسفی-کلامی، ۱۲(۴)، صص ۵۹-۶۷. <https://doi.org/10.22091/pfk.2011.123>.
۲. پترسون، مایکل؛ هاسکر، ویلیام. (۱۳۸۸). عقل و اعتقاد دینی (مترجمان: احمد نراقی و ابراهیم سلطانی). تهران: طرح نو.
۳. پورسینا، زهرا. (۱۳۸۲). تأثیر گناه بر معرفت در اعترافات آگوستین قدیس. نقد و نظر، ۸(۲۹-۳۰)، صص ۴۲۹-۴۵۱.
۴. حجتی، غزاله. (۱۳۹۷). رویکرد مصالحه‌گرایانه به چالش اختلاف نظر دینی. پژوهشنامه فلسفه دین (نامه حکمت)، ۱۶(۱)، صص ۱۹-۴۰.
۵. حجتی، غزاله. (۱۳۹۸). اختلاف نظر دینی (بررسی معرفت‌شناختی). تهران: طه.
۶. صادق‌نیا، مه‌راب. (۱۳۹۷). الهیات تطبیقی: تلاشی برای توسعه فهم متون مقدس. مطالعات تطبیقی قرآن کریم و متون مقدس، ۱(۱)، صص ۳۱-۴۸.
۷. فرامرز قراملکی، احد؛ ناسخیان، علی‌اکبر. (۱۳۹۶). قدرت انگاره. قم: نشر مجنون.
۸. قربانی، قدرت‌الله. (۱۳۹۳). عقلانیت تشکیکی نظام باورهای دینی. پژوهش‌های اعتقادی کلامی، ۴(۱۴)، صص ۱۰۳-۱۲۸.
۹. کریم‌زاده، امید. (۱۳۹۴). معرفت‌شناسی اختلاف نظر و شواهد مرتبه بالاتر. نقد و نظر، ۲۰(۳)، صص ۸۱-۱۰۸.
۱۰. کلونی، فرانسیس. (۱۳۹۰). در آمدی بر الاهیات تطبیقی. (مترجم: مالک شجاعی جوشقانی). کتاب ماه دین، ۱۷۰(۱)، صص ۴۳-۴۹.
۱۱. مولوی، عزیزالله؛ موحدی، محمدرضا. (۱۳۹۶). تأثیر عوامل غیر معرفتی بر معرفت در آینهٔ مثنوی معنوی مولوی. پژوهش‌های فلسفی کلامی، ۱۹.
12. Basinger, David. (2020). Is it Reasonable to Believe That Only One Religion

is True? In *contemporary debates in philosophy of religion* (second, p. 400). Oxford: wiley Blackweel.

13. Catherine Z. Elgin. (2010). *Persistent Disagreement*. Oxford University Press. Retrieved from <https://oxford.universitypressscholarship.com/view/10.1093/acprof:oso/9780199226078.001.0001/acprof-9780199226078-chapter-4>
14. Choo, Frederick. (2018). The Epistemic Significance of Religious Disagreements: Cases of Unconfirmed Superiority Disagreements. *Topoi*. <https://doi.org/10.1007/s11245-018-9599-4>
15. Christensen, David. (2007). Epistemology of Disagreement: The Good News. *Philosophical Review*, 116(2), pp. 187–217. <https://doi.org/10.1215/00318108-2006-035>
16. Christensen, David. (2009). “Disagreement as Evidence: The Epistemology of Controversy,” *Philosophy Compass*. 4, no. 5 p. 758.
17. Christensen, David Phiroze & Lackey, Jennifer (eds.). (2013). *The epistemology of disagreement: new essays*. Oxford: Oxford University Press.
18. Clooney, Francis X. (2010). *Comparative Theology: Deep Learning Across Religious Borders*. Wiley-Blackwell.
19. Cornille, Catherine. (2008). *The Im-Possibility of Interreligious Dialogue*. New York: Herder & Herder.
20. Cornille, Catherine. (2020). *Meaning and method in comparative theology* (First edition). Hoboken: Wiley.
21. DePoe J. (2011). The significance of religious disagreement. In: Evans J, Heimbach D (eds) Taking christian moral thought seriously: the legitimacy of religious beliefs in the marketplace of ideas. B & H Academic, Nashville,. In *Taking christian moral thought seriously: the legitimacy of religious beliefs in the marketplace of ideas*. Nashville.
22. Elga, Adam. (2007). Reflection and Disagreement. *Nous*, 41(3), pp. 478–502. <https://doi.org/10.1111/j.1468-0068.2007.00656.x>.
23. Frances, Bryan. *Disagreement*. polity, Cambridge, 2014.



24. Kelly, Thomas. (2019). The Epistemic Significance of Disagreement. In *Contemporary Epistemology*. pp. 249–264. John Wiley & Sons, Ltd. <https://doi.org/10.1002/9781119420828.ch17>
25. Kraft, James. (2012). *The Epistemology of Religious Disagreement: A Better Understanding* (2012th edition). Palgrave Macmillan.
26. Moyaert, M. (2017). Comparative Theology: Between Text and Rite. *The Past, Present and Future of Theologies of Interreligious Dialogue*, pp. 184–200.
27. Moyaert, Marianne. (2014). *In Response to the Religious Other: Ricoeur and the Fragility of Interreligious Encounters*. Lanham, Maryland: Lexington Books.
28. Moyaert, Marianne. (2015). Theology Today: Comparative Theology as a Catholic Theological Approach. *Theological Studies*, 76(1), pp. 43–64. <https://doi.org/10.1177/0040563914565298>
29. Pittard John. (2014). Conciliationism and religious disagreement. In *Challenges to moral and religious belief: disagreement and evolution*. Oxford University Press.
30. Pittard, John. (2021). Disagreement, Religious | *Internet Encyclopedia of Philosophy*. Retrieved from <https://iep.utm.edu/rel-disa/>

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
 رتال جامع علوم انسانی



نظر
 صدر

سال بیست و هشتم، شماره دوم (پیاپی ۱۰۶)، تابستان ۱۴۰۱

References

1. Akbarzadeh, M. (1390 AP). The effect of non-epistemic factors on the process of acquiring knowledge. *Philosophical-Theological Research*, 12(4), 59–67. <https://doi.org/10.22091/pfk.2011.123>. [In Persian]
2. Basinger, D. (2020). Is it Reasonable to Believe That Only One Religion is True? In *contemporary debates in philosophy of religion* (2nd ed., p. 400). Oxford: Wiley Blackweel.
3. Catherine Z. E. (2010). Persistent Disagreement. *Oxford University Press*.
From:
<https://oxford.universitypressscholarship.com/view/10.1093/acprof:oso/9780199226078.001.0001/acprof-9780199226078-chapter-4>.
4. Choo, F. (2018). The Epistemic Significance of Religious Disagreements: Cases of Unconfirmed Superiority Disagreements. *Topoi*. <https://doi.org/10.1007/s11245-018-9599-4>.
5. Christensen, D, P., & Lackey, J. (Eds.). (2013). *The epistemology of disagreement: new essays*. Oxford: Oxford University Press.
6. Christensen, D. (2007). Epistemology of Disagreement: The Good News. *Philosophical Review*, 116(2), pp. 187–217. <https://doi.org/10.1215/00318108-2006-035>.
7. Christensen, D. (2009). “Disagreement as Evidence: The Epistemology of Controversy,” *Philosophy Compass* 4, no. 5 p. 758.
8. Clooney, Francis X. (2010). *Comparative Theology: Deep Learning Across Religious Borders*. Wiley-Blackwell.
9. Clooney, F. (1390 AP). An Introduction to Comparative Theology. (Shojaei Joshaghani, M, Trans.), *Book of the Month of Religion*, 170 (1), pp. 43–49. [In Persian]
10. Cornille, C. (2008). *The Im-Possibility of Interreligious Dialogue*. New York: Herder & Herder.
11. Cornille, C. (2020). *Meaning and method in comparative theology* (1st ed.). Hoboken: Wiley.



12. DePoe J. (2011). The significance of religious disagreement. In: Evans J, Heimbach D (Eds.). Taking Christian moral thought seriously: the legitimacy of religious beliefs in the marketplace of ideas. B & H Academic, Nashville., In *Taking christian moral thought seriously: the legitimacy of religious beliefs in the marketplace of ideas*. Nashville.
13. Elga, A. (2007). Reflection and Disagreement. *Nous*, 41(3), pp. 478–502. <https://doi.org/10.1111/j.1468-0068.2007.00656.x>
14. Faramarz Gharamaleki, A., & Naskhian, A. A. (1396 AP). *The power of imagination*. Qom: Majnoon Publications. [In Persian]
15. Frances, B. *Disagreement*. Polity, Cambridge, 2014.
16. Hojjati, Q. (1397 AP). A conciliatory approach to the challenge of religious dissent. *Journal of Philosophy of Religion (Letter of Wisdom)*, 16(1), pp. 19–40. [In Persian]
17. Hojjati, Q. (1398 AP). *Religious differences (epistemological study)*. Tehran: Taha. [In Persian]
18. Pittard, J. (2021). Disagreement, Religious. *Internet Encyclopedia of Philosophy*. From: <https://iep.utm.edu/rel-disa/>
19. Karimzadeh, O. (1394 AP). Epistemology of disagreement and higher-order evidence. *Journal of Naqd va Nazar*, 20(3), pp. 81–108. [In Persian]
20. Kelly, T. (2019). The Epistemic Significance of Disagreement. In *Contemporary Epistemology* (pp. 249–264). John Wiley & Sons, Ltd. <https://doi.org/10.1002/9781119420828.ch17>.
21. Kraft, J. (2012). *The Epistemology of Religious Disagreement: A Better Understanding* (2012th ed.). Palgrave Macmillan.
22. Molavi, A., & Movahedi, M. R. (1396 AP). The effect of non-epistemic factors on knowledge in the mirror of Rumi's spiritual Masnavi. *Journal of Philosophical Theological Research*, 19. [In Persian]
23. Moyaert, M. (2017). Comparative Theology: Between Text and Rite. *The Past, Present and Future of Theologies of Interreligious Dialogue*, pp. 184–200.
24. Moyaert, M. (2014). *In Response to the Religious Other: Ricoeur and the Fragility of Interreligious Encounters*. Lanham, Maryland: Lexington Books.



نظر
صدر

سال بیست و هشتم، شماره دوم (پیاپی ۱۰۶)، تابستان ۱۴۰۱

25. Moyaert, M. (2015). Theology Today: Comparative Theology as a Catholic Theological Approach. *Theological Studies*, 76(1), pp. 43–64. <https://doi.org/10.1177/0040563914565298>.
26. Patterson, M., & Hasker, W. (1388 AP). *Reason and religious belief*. (Naraghi, A., & Soltani, E. Trans.). Tehran: Tarhe No. [In Persian]
27. Pittard J. (2014). Conciliationism and religious disagreement. *In Challenges to moral and religious belief: disagreement and evolution*. Oxford University Press.
28. Poorsina, Z. (1382 AP). The effect of sin on knowledge in the confessions of St. Augustine. *Journal of Naqd va Nazar*, 8 (30-29), pp. 429–451. [In Persian]
29. Qorbani, Q. (1393 AP). The skeptical rationality of the system of religious beliefs. *Journal of Theological Belief Research*, 4(14), pp. 103–128. [In Persian]
30. Sadegh Nia, M. (1397 AP). Comparative theology: an attempt to develop an understanding of the scriptures. *Comparative Studies of the Holy Quran and Holy Texts*, pp. 31–48. [In Persian]

